

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

صورت دوم: احتیاط مستلزم تکرار نیست و تکلیف مستقل نیست

صورت دوم جایی است که احتیاط مستلزم تکرار نیست و آن تکلیفی که ما احتمال می‌دهیم، تکلیف مستقلی نیست و عنوان ضمنی را دارد؛ مثل این که شك می‌کنیم آیا سوره در نماز به عنوان جزء واجب است یا اینکه به عنوان جزء مستحب است؟ که اگر به عنوان واجب باشد، سوره يك تکلیف استقلالی ندارد و بلکه يك تکلیف ضمنی دارد.

نظر مشهور

مشهور قائل هستند به این که احتیاط در اینجا ممکن بوده و مانعی از جریان احتیاط نیست. کیفیت احتیاط به این نحو است که نماز را با سوره، و سوره را به داعی امر بیاورد؛ اما دیگر، خصوص وجوبی بودن یا استحبابی بودن آن را لازم نیست که نیت کند.

اشکال

کسانی که قصد وجه و تمییز را معتبر می‌دانند، باز در اینجا هم همان اشکالی که در فرض اول بود، را می‌گویند؛ بدین صورت که در اینجا هم بالاخره سوره را نمی‌تواند بقصد الوجوب یا بقصد الاستحباب بیاورد.

بیان مرحوم آقای خوئی

مرحوم آقای خوئی (قدس سره) در کتاب **اصول** فرموده‌اند: نزاع در اعتبار قصد وجه و تمییز و عدم اعتبار اینها، فقط در واجبات استقلالیه است؛ اما در واجبات ضمنیه و در اجزای دیگر، آن نزاع جریان ندارد؛ منتها بعداً فرمودند مشهور، عدم اعتبار قصد وجه و تمییز در اجزا است؛ که این دو عبارت باهم سازگاری ندارد. از يك طرف بگوییم اصلاً نزاع در اعتبار قصد وجه و تمییز در واجبات ضمنیه جریان ندارد، و از طرف دیگر بگوییم مشهور عدم اعتبار قصد وجه و تمییز در اجزا است. اگر

بگوئیم مشهور عدم اعتبار است، یعنی قول شاذی در مقابل مشهور وجود دارد که آنها اعتبار قصد وجه و تمییز را معتبر می‌دانند و تصادفاً از میان فقها مرحوم علامه چنین نظری دارد؛ ایشان معتقد است علاوه بر این که نسبت به مجموع صلاة باید قصد وجه و تمییز داشت، نسبت به هر جزئی از اجزای صلاة هم مسأله همینطور است. لذا، این بیان که بگوئیم نزاع در قصد وجه و تمییز فقط در واجبات استقلالیه است و در واجبات ضمنیه جریان ندارد، صحیح نیست.

دیروز عرض کردیم کسانی که قائل هستند قصد وجه و تمییز معتبر است، دو دلیل دارند؛ یکی اجماع است، که گفتیم مستندش دلیل دوم است و می‌شود اجماع مدرکی؛ و دوم این که حسن و قبح از عناوین قصدیه است و اگر يك فعلی به جهت ترتب يك عنوانی متصف به حسن شود، باید آن عنوان را قصد کنیم. حال، باید ببینیم آیا این دلیل دوم در باب اجزا جریان دارد یا نه؟ مرحوم آقای خویی اینجا هم فرمودند: این دلیل هم در باب اجزا جریان ندارد. بیان ایشان این است که **لیس لكل جزء حسن مستقل** لیحتمل دخل عنوان خاص فيه فلا وجه الی قصد الوجه فی کل جزء جزء هر جزئی يك حسن مستقلى ندارد.

اشکال به بیان مرحوم آقای خویی

این دلیل ایشان، عین دعوا و عین مدعاست؛ ما می‌خواهیم ببینیم آیا هر جزئی حسن و قبح مستقل دارد یا ندارد؟ ایشان می‌فرماید **لیس لكل جزء حسن مستقل**، این اول الدعواست. بنابراین، اگر کسی این دلیل دوم را هم بپذیرد - که ما دیروز هر دو را رد کردیم - فرقی بین واجب استقلالی و واجب ضمنی نمی‌کند. لذا، باید بپاییم اساساً در کبرا خدشه کنیم و بگوئیم دلیلی بر اعتبار قصد وجه و تمییز نداریم؛ که روز گذشته به صورت مفصل ذکر کردیم و به این نتیجه منتهی شدیم. نتیجه این که در فرض دوم که نمی‌دانیم آیا سوره جزء واجب است یا جزء مستحب؟ احتیاط امکان دارد، و مانعی از جریان احتیاط نیست؛ بنابراین، اینجا احتیاط و امتثال اجمالی کافی است.

فرض سوم: احتیاط مستلزم تکرار نیست و اصل تکلیف حتی فی الجملة معلوم نیست

فرض سوم همان فرض اول است؛ منتها در فرض اول می‌گفتیم که احتیاط مستلزم تکرار نیست؛ تکلیف، تکلیف استقلالی است و اصل تکلیف فی الجملة معلوم است؛ مثالی که برای فرض اول می‌زدیم، این بود که نمی‌دانیم آیا غسل جمعه واجب است یا مستحب. اما در اینجا می‌گوئیم احتیاط مستلزم تکرار نیست، تکلیف هم تکلیف استقلالی هست، اما اصل تکلیف حتی فی الجملة هم معلوم نیست؛ مثل دوران امر بین وجوب و اباحه؛ نمی‌دانیم آیا دعا عند رؤیة الهلال واجب است یا مباح؛ اینجا تکلیف اجمالاً هم معلوم نیست؛ یعنی يك طرفش این است که اصلاً امری وجود دارد و مسأله وجوب است، و طرف دیگر، مسأله اباحه و اینکه احتمال می‌دهیم اصلاً در واقع، هیچ تکلیف و امری نباشد.

ذکر یک اشکال

در اینجا باز از نظر قصد وجه اشکال شده که اگر اباحه باشد، چطور می‌شود در اینجا قصد وجه کرد؟ و حتی برخی گفته‌اند در فرض اول و دوم که شبهه قصد وجه را حل کردیم، آن جواب، در اینجا جریان ندارد؛ در دوران بین این که غسل واجب است یا مستحب؟، آخر الامر گفتیم برای حسن عمل، قصد الامر کافی است؛ بالاخره اگر واجب باشد، امر دارد؛ اگر هم مستحب باشد،

امر دارد. اما اینجا اینطور نیست؛ اینجا يك طرف وجوب است و يك طرف اباحه؛ لذا، گفته‌اند آن جواب، در اینجا جریان ندارد.

اشكال مرحوم نائینی

عمده در این فرض سوم، اشکالی است که مرحوم محقق نائینی **اعلی الله مقامه الشریف** دارند. ایشان در باب امتثال مبنایی دارند که طبق آن قائل هستند در فرضی که امتثال تفصیلی امکان دارد - که الان محل بحث ما همین است؛ چون گفتیم جایی که امتثال تفصیلی ممکن نیست، لا مجال للاشکال؛ و در امتثال اجمالی راهی غیر از امتثال اجمالی و غیر از احتیاط نداریم - امتثال اجمالی در طول امتثال تفصیلی صحیح است. اگر امتثال تفصیلی ممکن نشد، آن وقت نوبت می‌رسد به امتثال اجمالی؛ اما در فرضی که امتثال تفصیلی ممکن است، عقل امتثال اجمالی را نمی‌پذیرد؛ چرا؟ ایشان می‌فرمایند: عقل در مقام امتثال می‌گوید: انبعاث و امتثال مکلف باید از بعث و تحریک و امر یقینی مولا باشد؛ در نتیجه، عقل، انبعاث ناشی از امر احتمالی را در مقام امتثال کافی نمی‌داند؛ احتمال امر نمی‌تواند منشأ برای انبعاث مکلف باشد.

می‌فرماید: عقل استقلال به این مطلب دارد؛ یعنی یکی از مستقلات عقلیه است. حال، در مانحن فیه، فرض این است که دوران بین وجوب و اباحه است؛ این اگر برود تحقیق کند - و در واقع هم واجب باشد - می‌تواند يك امتثال ناشی از بعث یقینی داشته باشد؛ حالا این را رها کرده، می‌گوید من احتمال وجوب می‌دهم؛ و با این احتمال، می‌خواهد امتثال کند. اما عقل که حاکم به امتثال در باب اطاعت و عصیان است، این را کافی نمی‌داند. طبق این بیان نائینی احتیاط در اینجا کافی نیست؛ اگر کسی امتثال اجمالی کرد و در واقع هم در اینجا تکلیفی باشد، چنین امتثالی کفایت نمی‌کند.

مناقشه در اشكال مرحوم نائینی

ما قبلاً در بحث اجتهاد و تقلید، همین مباحث را اشاره کردیم و فرمایش مرحوم نائینی را مورد مناقشه قرار دادیم. ادعای ما این است که وقتی به عقل مراجعه می‌کنیم، عقل غیر از موافقت خارجی که منتسب به مولا باشد، چیز دیگری را لازم نمی‌داند؛ عقل می‌گوید در مقام امتثال، شما اگر فعل را به عنوان موافقت خارجی و مضافاً الی المولا بیاورید، کافی است؛ می‌خواهد انبعاث، ناشی از بعث یقینی باشد، یا ناشی از بعث احتمالی باشد؛ در نظر عقل هیچ فرقی نمی‌کند. در عرف نیز اگر عیدی در موردی که احتمال بدهد مولایش امری کرده است، بیاید به جهت این احتمال، عمل را برای مولا انجام دهد و بعد هم معلوم شود که مولا چنین امری داشته است، در اینجا عقلاً او را ممتثل می‌دانند. بعث احتمالی یا بعث یقینی، نمی‌تواند در امتثال خارجی مکلف تأثیری داشته و به عنوان فارق باشد. در آنجا، یا عملش امتثال هست یا نیست، اگر به عنوان موافقت امر - چه امر یقینی و چه امر احتمالی - صادر شده باشد، امتثال می‌شود و اگر به عنوان موافقت امر نباشد، امتثال نیست. لذا، بیان مرحوم نائینی هم بیان درستی نیست، و در دوران بین وجوب و اباحه نیز احتیاط صحیح است.

فرض چهارم: احتیاط مستلزم تکرار نیست و تکلیف مستقل نیست

فرض چهارم، همین فرض سوم است؛ اما با این فرق که در فرض سوم تکلیف استقلالی است و در این فرض، تکلیف ضمنی است. اینجا هم احتیاط صحیح است اما يك قیدی دارد. مثلاً فرض کنید نمی‌دانیم سوره جزء واجب است یا جزء مباح، در اینجا هم احتیاطاً به همان داعی امر احتمالی می‌توانیم عمل را بیاوریم و احتیاط محقق می‌شود؛ تنها قیدی که وجود دارد، این است که

نباید این جزء عنوان مانعیت را داشته باشد. اگر کسی احتمال بدهد که نمی‌داند سوره جزء نماز است یا مانع؟، در اینجا اگر بخواهد احتیاط کند، باید چکار کند؟ می‌گوییم اگر دوران امر بین جزئیت و مانعیت شد، اینجا چاره‌ای ندارد جز این که عمل را تکرار کند؛ باید یکبار نماز با سوره بیاورد، و یکبار هم نماز بدون سوره بجا آورد؛ و این از فرض ما خارج می‌شود؛ فعلاً فرض ما در جایی است که مستلزم تکرار نباشد. پس، حکم صورت چهارم هم این شد که احتیاط ممکن بوده و مشروع و صحیح است؛ منتها تا مادامیکه احتمال مانعیت جزء در کار نباشد؛ که اگر احتمال مانعیتش وجود داشت، از احتیاط‌های مستلزم تکرار می‌شود که از محل بحث خارج است.

حکم صورتی که امتثال اجمالی و احتیاط مستلزم تکرار عمل است

اما عمده بحث، در تعبدیاتی است که احتیاط و امتثال اجمالی در آنها مستلزم تکرار است؛ نمی‌دانیم نماز جمعه واجب است یا نماز ظهر؟، اینجا اگر بخواهیم احتیاط کنیم، باید هر دو را بخوانیم. نمی‌دانیم ما که هر روز می‌رویم تهران و می‌آییم، نمازمان قصر است یا تمام؟، احتیاط به این است که هم قصر بخوانیم و هم تمام.

نظر مشهور

در این احتیاطی که مستلزم تکرار است، مشهور قائل هستند که امتثال اجمالی کافی نیست. در فرضی که امتثال تفصیلی ممکن است، اگر احتیاط مستلزم تکرار باشد، امتثال اجمالی کافی نیست. آن وقت اینجا نیز دارای سه صورت است؛

يك صورت این است که کسی که امتثال علمی تفصیلی برای او ممکن است، می‌تواند برود تفصیلاً علم پیدا کند که نماز جمعه واجب است یا نماز ظهر؟ اما نرود، و امتثال اجمالی انجام بدهد.

صورت دوم کسی که امتثال ظنی به ظن معتبر برای او ممکن است، مجتهدی است می‌تواند برود ادله را ببیند که آیا خبر واحد معتبری بر وجوب نماز جمعه داریم یا نداریم، می‌تواند برود اجتهاد کند و یا می‌تواند تقلید کند، اما این کار را نکرد و گفت می‌روم احتیاطاً هر دو را انجام می‌دهم.

و صورت سوم جایی است که نه امتثال علمی تفصیلی ممکن است و نه امتثال ظنی تفصیلی.

فرض اول: امتثال علمی تفصیل ممکن بوده و احتیاط مستلزم تکرار است

آیا احتیاط در جایی که امتثال علمی تفصیلی ممکن است و احتیاط مستلزم تکرار است، مشروع است یا نه؟ در این فرض که امتثال علمی تفصیلی ممکن است، مشهور می‌گویند احتیاط و امتثال اجمالی کافی نیست؛ شیخ انصاری و مرحوم نائینی و برخی دیگر از بزرگان نیز از مشهور تبعیت کرده‌اند. اینها مجموعاً سه دلیل آورده‌اند که يك دلیل همان مسأله قصد وجه و تمییز است - که آن را تکرار نمی‌کنیم - و ما اصلاً کبرویاً اعتبار قصد وجه و تمییز در تعبدیات را منکر شدیم و گفتیم دلیلی برای آن نداریم. اما دلیل دومی را شیخ در رسائل دارد، و دلیل سومی - که شبیه‌اش را هم‌اکنون خواندیم - مرحوم محقق نائینی دارد؛ ببینیم آیا از این دلیل شیخ و نائینی (قدس سره) می‌شود جواب داد یا نه؟ مرحوم آخوند در کفایه دلیل شیخ را بیان کرده، و دو اشکال به آن وارد کرده است که این را مطالعه فرمایید تا فردا إن شاء الله.